

آیا تربیت خانوادگی بر وقوع تصادفات منجر به مرگ تاثیرگذار است؟

نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد کیفیت آموزش و تربیت خانوادگی با میزان وقوع تصادفات منجر به مرگ ارتباطی ندارد اما بین پیام‌های رسانه‌ای و افزایش یا کاهش سطح رفاہ با این تصادفات ارتباط وجود دارد.



نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد کیفیت آموزش و تربیت خانوادگی با میزان وقوع تصادفات منجر به مرگ ارتباطی ندارد اما بین پیام‌های رسانه‌ای و افزایش یا کاهش سطح رفاہ با این تصادفات وجود دارد.

به گزارش ایسنا، گسترش زندگی ماشینی و افزایش روزافزون راه‌بندان‌ها در شهرها و جاده‌ها در نیم قرن اخیر، در مقابل فواید ناشی از گسترش ارتباطات و سرعت جابه‌جایی کالا و مسافر، منجر به افزایش تعداد و شدت تصادفات ترافیکی شده و در نتیجه ضایعات جانی و مالی ناشی از این تصادفات، بار سنگینی را بر جوامع بشری تحمیل کرده است.

محققان در پژوهشی با عنوان «رابطه عوامل ارتباطی-اجتماعی موثر بر تصادفات درون شهری» این موضوع را در شهر اسلام‌آباد غرب بررسی کرده‌اند.

آن‌ها می‌گویند: «عوامل بروز تصادف رانندگی را باید فراتر از مشکلات سیستمی حمل و نقل جاده‌ای و ترافیکی دانست. برای نمونه، درصد ناچیزی از تصادفات کل کشور در نتیجه «نقص فنی وسیله نقلیه» و «نقص ایمنی جاده» بوده و بقیه حوادث، به طور مستقیم و غیرمستقیم بر اثر عملکرد نادرست سایر متغیرها، به ویژه متغیرهای انسانی به وجود آمده است. بر همین اساس، جامعه‌شناسان معتقدند که عوامل اجتماعی و انسانی از جمله مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر وقوع و گسترش تصادفات منجر به جرح و مرگ هستند.»

نویسندگان این مقاله پس از بررسی و تحلیل منابع می‌گویند: «بخش مهمی از تصادفات، در کنار زیرساخت‌ها، ریشه در چگونگی تربیت و جامعه‌پذیری رانندگان دارند. با این وصف، تعداد پژوهش‌هایی که به مولفه‌های اجتماعی و ارتباطی یعنی «آموزش و تربیت خانوادگی»، «رسانه‌ها» و «رفاه اجتماعی-اقتصادی» مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.» پژوهشگران بر اساس توضیحات بالا، سه فرضیه اساسی برای این پژوهش مطرح کرده‌اند:

۱- میان کمیت و کیفیت آموزش و تربیت خانوادگی با میزان وقوع تصادفات منجر به مرگ در شهر اسلام‌آباد غرب رابطه وجود دارد.

۲- میان ارسال پیام‌های ترافیکی از طریق رسانه‌ها با میزان وقوع تصادفات منجر به مرگ در شهر اسلام‌آباد غرب رابطه وجود دارد.

۳- میان چگونگی رفاہ اجتماعی-اقتصادی در جامعه با میزان وقوع تصادفات منجر به مرگ در شهر اسلام‌آباد غرب رابطه وجود دارد.

در این پژوهش آمده است: «روش این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است و از نظر اجرا به روش پیمایش انجام شده است. جامعه آماری مشتمل بر دو گروه بودند، اول، همه مسئولین راهور و مسئولان شهرداری (حدوداً ۲۵ نفر) و دوم، همه رانندگان (زن و مرد) اتومبیل ۱۸ سال به بالای شهرستان اسلام‌آباد غرب که تعداد ۴۳۲۱۱ نفر از آن‌ها دارای گواهینامه رانندگی هستند و در سطح شهرستان رانندگی می‌کنند.»

بر اساس آن چه در این مقاله بیان شده است، کلیت جامعه آماری دو نمونه، ۳۸۰ نفر مشخص شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه محقق ساخته حاوی ۳۲ سوال بود.

نتایج حاصل از تحلیل پرسشنامه‌ها نشان داد در فرضیه نخست، شیوه‌های تربیت و آموزش خانوادگی (جامعه‌پذیری در خانواده) با میزان سوانح رانندگی در شهر اسلام‌آباد غرب رابطه معناداری ندارد.

فرضیه دوم نشان داد که بین پیام‌های رسانه‌ای با میزان سوانح رانندگی درون شهری در شهر اسلام‌آباد غرب رابطه معناداری وجود دارد. در نهایت، در فرضیه سوم بین افزایش یا کاهش سطح رفاہ اجتماعی-اقتصادی با میزان سوانح رانندگی درون شهری در شهر اسلام‌آباد غرب رابطه معناداری وجود دارد.

این پژوهش توسط رضا عبدالرحمانی، دانشیار علوم ارتباطات دانشگاه علوم انتظامی امین، نورالدین عبدی، کارشناس ارشد مدیریت عملیات راهور دانشگاه علوم انتظامی امین و سعداله عیسی زاده، دانش‌آموخته ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی انجام شده و در سی و سومین شماره ی فصلنامه علمی راهور به چاپ رسیده است.